

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

آزاد ل.

۲۶ جنوری ۲۰۱۳

چرا «آزاد» بودن گناه است؟؟

بلی اینجا! در این زمان ، آزاد بودن ، آزاد گفتن و آزاد زیستن گناه است !! همین انسانی که بدون خواست و یا میل ذاتی و قبلی خود به دنیا می آید بدون کدام عقیده ، آیه ، و قبولی کدام قانون مشخص می باشد، و این شرایط رشد و عقیده و نظریات و باور مندی های والدین و نزدیکانش است که برای او سر نوشت می سازند ، اعتقاد و باور مندی به وجود می آورند، و این موجود که هنوز آزاد از همه پندار ها و باور ها است اسیر می شود و در بند !! این اعضای خانواده ، افراد نزدیک به فامیل استند که او را عقیده مند می سازند ، او را بدون آن که خودش خواسته باشد پیرو اندیشه های مورد قبول خود شان گردانیده و زنجیر اطاعت را بر گردنش می اندازند و وقتی هم بزرگ شد مجبور به پیروی کورکورانه از عقاید و باور مندی های دیگران (محیط و اجتماع) می باشد، و با آنچه به او گفته شده و می شود ، رهنمای عملکردش مشخص می گردد و برایش مهم و مقدس می گردد و اگر در جریان رشد فکری اش خلاف آنچه برایش تدریس و تفهیم شده مشاهده نماید حیای حضور ، حرمت به والدین و بزرگان مانع از تبارز نظرش شده و تا سرحد فراموشی پنهان می ماند، فامیل و بنیان گذاران فکری او هم اختیاری ندارند، ایشان هم درچنین جامعه ای تولد ، رشد و جز اجتماع شده اند ، و نا آگاه از حقانیت و یا غیر راست بودن باور های شان تسلیم حرف های جادویی و طلسم شیطانی شیخ های پیرو اعراب می شوند؛ چون آن ها هر نوع نسخه ای از قبل تهیه شده این دنیا و دنیای خیالی را آماده دارند و فوراً با خواندن یک یا چند آیتی از قرآن نبض طرف را در دست گرفته و ترمیم هر نوع شکستگی شخصیتی ، اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی فرد نا آگاه را با رجعت دادن به الله تضمین می کند!!

نوزاد خانواده مسلمان به خاطر تسلط فرهنگ استبدادی زور گویان و چپاولگران عرب به اجبار مسلمان رشد می کند و بر پیروان اعراب نا خود آگاه افزوده می گردد، طفلک در جوانی اسیر پنجه های اهریمنی خرافات بوده و زنجیر پیچ شده است اما خودش را در همان چوکات آزاد احساس می دارد و فکر می کند آزاد است تا این که در بر خورد های فکری در جامعه و پیدا نمودن موقف طبقاتی خود بر اصل شخصیت و طرز تفکر خود آگاهی یابد و این همه افکار او زیر تأثیر تبلیغات مداوم ملاها، چلی ها، ریشدار ها ، حاجی صاحبان ، سید ها ، پیر زاده ها ،

نقیب ها و آنانی که مثل علف های هرزه در بیابانهای لگد مال شده تاخت و تاز های وحشیانه قدرت مندان در سر زمین ما توسط اجانب روئیده و با نیمرح کثیف شان به مردم آزاد اندیش با کراحت و بد بینی می نگرند، می باشد، چون اینها خود غلام اند و برده زاده و صد ها سال در چنین پستی ها زیست نموده و نفس کشیده اند با زباله خوری از خوان استعمار استمرار حیات نموده به هر نوع پستی عادت کرده اند و میل آن را ندارند و همچنان بادران شان نمی گذارند تا از نسلی که زائیده و رشد یافته دامن رنج و سیاه روزی، بد بختی های نا فرجام و تاریک اجتماعی در طول صد ها سال می باشند موجوداتی زنده، استوار، نیک اندیش، مترقی، روشن، ضد استعمار، استثمار و خرافات عرض وجود نمایند تا نشود روزی با زیاد شدن چنین موجوداتی و بسیج و قیام آنها نعمت های به دست آمده شان از دست برود و مبارزات ضد آنها تکامل یافته و سر انجام به نابودی تمام آن نیرو ها و قدرت های طاغوتی و انسان کش، بیرحم و بی وجدان بینجامد!!

بلی بدین ملحوظ آنها از آزاد بودن، آزاد اندیشی و عملکرد آزاد انسانها به مفهوم واقعی آن هراس دارند و همیشه سعی داشته و دارند تا از بروز، رشد و تکامل اندیشه های آزاد جلو گیری نمایند!! این نوکران دست به سینه استعمار، این بی وجدان های خم چشم وطن فروش و ذباله خور در جامعه ما به هر شکل و شمایل وجود داشته و متناسب به مقتضیات جامعه ظاهر می شوند، و چهره های کریه آنها را در لباس های نظامی، عبا و قبای اسلامی عربی و همچنان دهن پارگی شیخک های رقااص وطنی، ملا و نیمچه ملای بی سواد با سابقه نچندان خوب و یا هم دریشی و نکثائی دار های بی وجدان و وطن فروشان خلقی و پرچمی و ده ها نوع گروپ سازشکار و چاپلوس می توان دید و تشخیص نمود که ایشان چکاره استند و وظایف محوله برای شان چیست و امتیازی که به دست می آورند کدام ها است؟؟ آنوقت می دانیم چرا آزاد بودن گناه است!!؟؟

آنهایی که می خواهند منحصیث افراد، اشخاص و گروه های آزاد اندیش نظریات خود را به جامعه ارائه و مصدر خدمتی شوند باید واضح سازند که نوع دید آنها با نوع آزاد اندیشی قلابی غلامان و خادمان بیگانگان فرق کلی داشته و واضح است که این نوع نظریات و اندیشه های آزاد منشانه با طرح و روشنگری گروه های وابسته که در مسیر تاریخی رشد این ملت، در چوکات بندی چاپلوسان در گاه های استعماری رشد و گاهی هم در لباس و گاهی هم در لباس رو حانیون به جا رسیده با القاب چندین کلمه ای تظاهر نموده و افکار آزاد منشانه ملت را در اسارت مفکوره های استعماری در آورده و آزادی را در قالب آن چهار چوکات معین و مشخص بادران شان مشخص و بعداً به اشاعه آن کوشیده اند و هر نوع مفکوره ترقی خواهی انسانهای زیر ستم و تحول طلب را در طول تاریخ با تیغ شمشیر و گلوله های آهنین جواب داده شده است، در تضاد کامل می باشد، آن ها یعنی نوکران استعمار، غلامان اسلام، نوکران صادق و وطن فروشان خلقی و پرچمی به آزادی های افکار انسانی به شرطی که از عینک سیاه و دودی آن ها نگریسته شود، اعتقاد داشته و مشروعیت و ابراز آن را فقط در چوکات بندی اندیشه هایی که خود به آن پایند استند می دانند و بس!!

یعنی به من، به تو و به همه می گویند: می توانید آزاد اندیش باشید!! اما نباید این آزاد اندیشی شما خلاف منافع حامیان ما باشد!! خلاف استعمار باشد!! خلاف اسلام باشد!! اما شما آزاد هستید هرچیز می خواهید و می توانید آزادانه در راه تأمین منافع نیرو های استعمار و استثماری (مالکان و صادر کنندگان دمو کراسی) و اسلام ناب محمدی و یا خرافات دینی بگوئید و قلم بزنید، داد و فریاد راه اندازید، اما چوکات شما همین است!! نباید پا را از این دایره فرا تر بگذارید!!! این است آزادی!! جزمین نوع آزادی هر نوع اندیشه، عملکرد و تفاهم به نام آزادی جرم می باشد!!

ما به هزاران سال است از نعمت آزادی محرومیم ، ما اسیریم ، به نحوی از انحاء غلام و بنده زور مندان ، اجانب و تجاوز کاران!! که البته نقش داشتن چوکره های مقدس شان در این رابطه را نمی توان نادیده گرفت ، چون این ملت در طول تاریخ هستی خود غلامی و بندگی بیگانگان را نپذیرفته و تسلیم نشده اند فقط همین رقاصه های سیاسی و مذهبی خود ما از بین ما بر خاسته تطمیع شدند ، امتیاز گرفتند و با فریب کاری ما را اسیر نگهداشتند ، زنجیر و زولانه های مقدس ساختند و به آرامی و آهستگی و خونسردی کامل از ما موجودات بی احساس و فاقد تفکر سالم و اندیشه آزاد ساختند ما شدیم غلام و بنده مقدس!!! و در این تاریک راه، قدرت تشخیص را از ما گرفتند، تا نتوانیم فرق کنیم غلام غربی ، بنده ای روسی و یا چاکر بودن عربی را !!؟؟ و کم کم در ما احساسی را به وجود آوردند که در همچو شرایطی زیستن را افتخار هم بدانیم و این مسلم است که با این نوع حیات و تبارز در جامعه نمی توان آنچه را اندیشه آزاد نام می گذاریم از آن بهره ای داشته باشیم.

همین بی توجهی ها ، نادیده گرفتن غلام منشی یک تعداد ، و اعتراض و مبارزه نکردن با آن کم کم در طول تاریخ چنان نهاده شده و تأثیر منفی بر شخصیت های ما گذاشت که نه تنها به غلامی غیر مستقیم بیگانگان تن دادیم بلکه نوع این غلامی را هم افتخار خود و اولاد خود دانستیم و نا آگاهانه در بسط و تکامل قهقرائی آن اندیشه ها سهم گرفتیم چرا؟؟

برای این که آن ها یعنی مولدین و بنیاد گذاران چنین باور ها در ابتداء هویت ما را از ما گرفتند ، یعنی شخصیت اصلی و سازنده ما را ، وجدان و شخصیت ما را در قالب خرافات رشد دادند و تن بی هویت ما آماده قالب گیری و جابه جا ساختن اندیشه های زهر آگین و کرخت کننده خرافات گردید و ساختار وجود ما به آهستگی به شکلی در آمد که متجاوزان می خواستند و آرزوهای دیرینه شان بر آورده شد چون آن ها می توانند سالهای سال با تسلط تیوریکی در مغز های ما رهنما و سوق دهنده ما و اجتماع ، سیاست ، اقتصاد و فرهنگ ما به نفع خود بوده و منافع خود را توسط نمایندگان خاص خود تأمین و به درازای عمر ذلیل خود بیفزایند، موجودیت هزاران آیت الله ، شیخ الاسلام ، حجت الاسلام ، پروفیسور اسلامی ، داکتر اسلامی ، مولوی و ملای اسلامی ، طالب و چلی و رقاص اسلامی خلقی و پرچمی اسلامی خلاصه ظهور هر نوع حرامزاده های تاریخ با پسوند اسلامی شاهد این گفتار می تواند باشد!!

کنون بر ماست خود را دریابیم ، خود را بشناسیم و آگاهی خود را به سطحی بالا ببریم که درک این که ما چی بودیم و بر ما چه گذشته و فاتحان وحشی اسلامی چه مظالمی را در حق این سر زمین انجام داده اند و ما امروز چرا بی خصلت شده ایم ؟ علاقه به دانستن تاریخ خود نداریم؟؟ چرا بندگی محمد ، غلامی حسین بر ما افتخار آمیز ساخته شده است؟؟ علت های اصلی آن را دریابیم آن را انسانی و انقلابی ریشه یابی نموده و راه های نجات خود و این ملت قربان شده را جست و جو ، با قبول همدیگر ، باهم صحبتی ، هم نگرانی ، با هم نزدیک شویم و آزاد باشیم و آزادانه در مسیر انسانی گام بر داریم.

بیداری ما و شناخت اصولی طبقاتی ما زنگ خطری است برای آنانی که منافع شان در خواب بودن ما گره خورده است و آن ها هر نوع آزاد اندیشی واقعی و انسانی را که خلاف منافع خود و بادران شان باشد آزادی ندانسته ، بغاوت و کفر می دانند.